

پیامدهای اقتصادی و سیاسی تدوین استانداردهای حسابداری

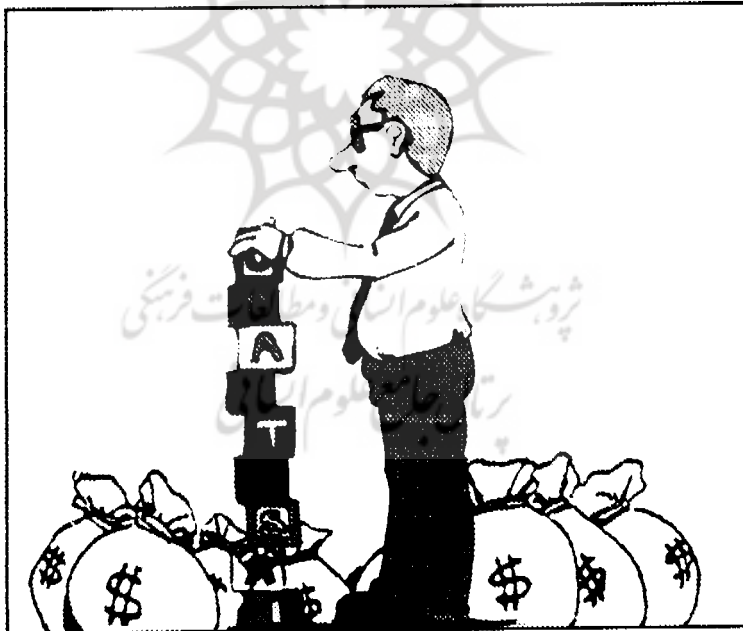
نازنین بشیری منش
کارشناس ارشد حسابداری

حسابداری بپردازند. این مقاله به بررسی محرک‌های تولید اطلاعات و نیاز به وجود مجموعه‌ای به نام استانداردهای حسابداری و پیامدهای اقتصادی و سیاسی ناشی از تدوین استانداردها می‌پردازد. (Scott, 2003)

دلایل تقاضا برای تولید اطلاعات

در بازارهای مالی به

دلیل عدم تقارن اطلاعاتی، قانون‌گذاری برای تولید اطلاعات لازم است. اگر عدم تقارن اطلاعاتی نبود و همگان به طور یکسان از فعالیت‌های مدیریت و اطلاعات محرمانه و داخلی شرکت آگاه بودند، آنگاه هیچ دلیلی برای حمایت از اشخاص وجود نداشت. علاوه بر این مساله اساسی، مسائل دیگری نیز وجود دارند که به تقاضا برای تولید اطلاعات به تبع آن تقاضا برای تدوین قوانین جهت تولید اطلاعات منجر می‌شوند. مهم‌ترین این مسائل عبارتند از:



مقدمه

در کشورهای مختلف دنیا، قوانین و مقررات به منظور ایجاد امنیت عمومی و تسهیل ارتباطات اجتماعی تدوین می‌شوند و در بازارهای مالی، انگیزه اصلی برای تدوین استانداردها، عدم تقارن اطلاعاتی است. این امر می‌تواند علاوه بر محافظت از اشخاص در

برابر این عدم تقارن، باعث افزایش عملکرد بازار سرمایه از طریق افزایش اعتماد عمومی به کیفیت اطلاعات شود.

ارائه استانداردهای حسابداری دارای نتایج اقتصادی است و با تدوین استانداردها، عده‌ای سود می‌برند و برخی زیان می‌کنند و در نتیجه، فرایند تدوین استانداردها دارای جنبه‌های سیاسی می‌شود و افراد ۶۴ ذی‌نفع اعم از دولت، مدیریت و سرمایه‌گذاران تلاش می‌کنند با مداخله در این فرایند به اعمال نظر در تعیین خط مشی‌های

سیستم

کنترل داراییهای ثابت

• امکان طبقه بندی اموال
در سطوح مختلف

• امکان تهیه شناسنامه دارایی ها

• امکان تهیه کلیه گزارشات
گردش اموال

• درج اطلاعات انواع بیمه های اموال

• امکان تعریف وابستگی بین اموال

• امکان تعویض پلاک

طراحی مبتنی بر تحلیل صحیح نیازهای مالی



نرم افزاری سی . اس . دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۸۲۴۸۱۲

دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳۶۹۹۸

۸۸۸۴۶۵۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

● خطر اخلاقی: مدیران همواره تمایل به شانه خالی کردن از انجام وظایف خود دارند، هر چند ممکن است محرکهای قراردادی تا حدی مدیریت را به تولید اطلاعات تشویق کنند، اما باز هم مدیران کم کاری و ضعف عملکرد خود را با استفاده از مدیریت سود پنهان می کنند.

● مشکل انتخاب معکوس: این مساله به دو شکل زیر، مشکل ایجاد می کند:

(۱) افرادی که به اطلاعات داخلی و محرمانه شرکت دسترسی دارند می توانند از مزیت اطلاعاتی خود استفاده کرده و سود ببرند که در واقع با این کار، هزینه هایی به سایر سرمایه گذاران وارد می کنند. این کار می تواند باعث دلسردی سایر سرمایه گذاران شود و آنها را از بازار سرمایه دور کند و نقدینگی بازار را کاهش دهد.

(۲) مدیران از اخبار بد آتی شرکت آگاه اند ولی آن را منتشر نمی کنند و یا حداقل افشای آن را به تاخیر می اندازند. در این حالت، سرمایه گذاران نمی توانند شرکت های با کیفیت بالا را از شرکت های با کیفیت پایین تشخیص دهند. لذا قیمت بازار شرکت منعکس کننده میانگین کیفیت است و مالکان شرکت های حاوی خبر بد نمی دانند شرکت های آنها عملکرد ضعیفی دارد. لذا در کل، توانایی بازار در شناسایی میانگین کیفیت کار مدیران کاهش می یابد.

● عدم یکدلی و اتفاق آرا: در بازاری که به طور صحیح عمل می کند، سهامداران همگی در حداکثر کردن ارزش بازار شرکت توسط مدیریت همدل هستند. اما بازار فاقد عملکرد صحیح، نمی تواند از سرمایه گذاران در برابر نتایج حاصل از معاملات داخلی، محرمانه و مدیریت سود حمایت کند. در نتیجه، این یکدلی برقرار نمی شود و راه های انتخابی مدیران برای حداکثر کردن ارزش شرکت همواره از طرف تمام سهامداران مورد قبول قرار نمی گیرد. سهامداران به خاطر وجود خطر اخلاقی و انتخاب معکوس، همواره از مدیران می خواهند بیش از آنچه مدنظر دارند، به تولید و افشای اطلاعات بپردازند. حال آنکه ممکن است افشای بیش از این، نه تنها منافی برای مدیران ایجاد نکند بلکه مزایای رقابتی آنان را نیز کاهش دهد.

این دلایل نیاز به تدوین مقررات برای میزان تولید اطلاعات برای پاسخ گویی به تقاضای سرمایه گذاران و برقراری جو اعتماد در بازار را نشان می دهد. حال این سوال

کنند حال آنکه با این کار، منافع بلندمدت خود را به خطر می‌اندازند. به عنوان نمونه، اگر سرمایه‌گذاران تصمیم بگیرند با توجه به اینکه مدیریت برای کسب پاداش (منافع کوتاه‌مدت)، عملکرد مناسبی در جهت حداکثر کردن ارزش شرکت انجام داده است برای کاهش هزینه‌ها، از انجام حسابرسی صرف نظر کنند. این تصمیم منجر به کاهش انگیزه مدیر در سال‌های آتی (منافع بلندمدت) خواهد شد. بنابراین، در دنیای عمل به طور کامل نمی‌توان به قراردادهای به عنوان تامین‌کننده مناسب نیازهای اطلاعاتی جامعه تکیه کرد.

محرك‌های بازار

نیروهای بازار به شرح زیر، سایر عواملی است که باعث ایجاد انگیزه در مدیران برای تولید اطلاعات به طور اختیاری می‌شود:

● **بازار سرمایه:** این بازار برای افزایش کارایی خود و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران از مدیران می‌خواهد با تولید و افشای هر چه بیشتر اطلاعات، باعث اطمینان در سرمایه‌گذاران و در نتیجه افزایش قیمت سهام و کاهش هزینه سرمایه شرکت شود. اما بازار با دو مشکل مواجه است:

۱) **اثرات خارجی:** همواره افشای اطلاعات توسط شرکت حاوی اطلاعاتی پیرامون سایر شرکت‌هاست زیرا بازار عملکرد این شرکت را با سایر شرکت‌های آن صنعت مقایسه می‌کند و بر انتظارات بازار نسبت به این شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد و در نتیجه، منافع یا هزینه‌هایی را به سایر اشخاص یا شرکت‌ها وارد می‌کند.

مدیران به خوبی به این مساله واقف‌اند لذا ممکن است برای جلوگیری از کاهش مزایای رقابتی خود اطلاعات کافی ارائه نکنند و این منجر به تحمل هزینه توسط جامعه می‌گردد. ۲) **استفاده مجانی:** اطلاعات حسابداری مانند کالای عمومی است شرکت نمی‌تواند هزینه تولید آن را به پای کسی بنویسد زیرا استفاده یک فرد باعث عدم استفاده دیگران نمی‌شود و اگر کسی بهای آن را پرداخت کند، دیگران از آن به طور مجانی استفاده می‌کنند، پس کسی حاضر به پرداخت بهای آن نمی‌باشد و چون شرکت باید تمام این هزینه را متحمل می‌شود، لذا ترجیح می‌دهد اطلاعات کمتری تولید کند. بنابراین، این عامل هم نمی‌تواند

اساسی مطرح می‌شود که آیا برای این کار باید استانداردهای حسابداری تدوین کرد یا امکان استفاده از محرک‌های دیگر وجود دارد؟ (Scott, 2003)

محرك‌های تولید اطلاعات

۱- **محرك‌های قراردادی:** تنظیم قرارداد توسط مدیران منجر به تولید اطلاعات به میزان کافی و درست می‌شود. به عنوان نمونه، نظر به غیرقابل مشاهده بودن فعالیت‌های مدیریت، مدیران برای داشتن گواه و شاهدهی درباره فعالیت‌های خود حاضرند با مالک، قراردادی پیرامون سنجش عملکرد خود با معیار ارزیابی مشخصی مثلاً سود خالص تنظیم کنند و حتی تمایل دارند هزینه حسابرسی صورت‌های مالی را نیز خود پرداخت کنند تا بتوانند مالک را نسبت به عملکرد صحیح خود متقاعد کرده و از مزایا و پاداش بهره‌مند شوند. نمونه دیگر اینکه، مدیران برای تامین مالی شرکت‌ها حاضرند شرایط طرف وام‌دهنده را طبق مفاد قرارداد وام پذیرفته و اطلاعات لازم برای این قرارداد را تهیه کنند و هم چنین برای افزایش قابلیت اتکای آن، هزینه حسابرسی آن را نیز متحمل شوند.

بدیهی است عامل قرارداد برای تولید اطلاعات هنگامی کاربرد دارد که تنها تعداد محدودی از گروه‌ها درگیر آن باشند و کاربرد این عامل در مورد سرمایه‌گذاران، به دلیل تنوع تقاضاها و تعداد گروه‌های ذی‌نفع عملاً از لحاظ زمانی و هزینه‌ای امکان‌پذیر نیست. زیرا مدیران نمی‌توانند با هر یک از این متقاضیان وارد مذاکره شده و با آنها قرارداد تنظیم کنند: به علاوه، چون سرمایه‌گذاران خواستار اطلاعات متفاوتی هستند، هزینه تولید این اطلاعات بسیار زیاد خواهد بود. حال اگر مدیر برای برطرف کردن این دو مشکل بخواهد قراردادی با تمام گروه‌های ذی‌نفع امضا کند، در این حالت لازم است تمام گروه‌ها درباره اطلاعات موردنظر به توافق برسند و چون نیازهای اطلاعاتی آنها با یکدیگر ناسازگار است این امر غیرممکن می‌باشد.

یکی دیگر از موانع موجود در دنیای عمل، تخطی از مفاد قرارداد است. فرضاً اگر تمام گروه‌های درگیر برای تولید اطلاعات به یک اجماع نظر دست یابند، مشکل دیگری که ایجاد می‌شود این است که آنها برای منافع کوتاه‌مدت خود وسوسه می‌شوند از مفاد قرارداد تخطی

اولین نرم افزار هزینه یابی فعالیت

سیستم حسابداری صنعتی

ن برنامه ریزی
ن کنترل
ن محاسبات قیمت
تمام شده

طراحی مبتنی بر تحلیل صحیح نیازها



نرم افزاری سی. اس. دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۲۴۸۱۲

دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳۶۹۹۸

۸۸۸۴۶۵۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

تولید اطلاعات کافی باشد.

● بازار کار مدیران: این بازار به طور مداوم، عملکرد مدیران را مورد ارزیابی قرار می دهد. اگر مدیری عملکرد مناسبی در راستای حداکثر کردن ثروت سهامداران نداشته باشد، بازار کار، مدیران او را رسوا کرده و دیگر به او اجازه فعالیت نمی دهد. لذا مدیران برای حفظ شهرت و آبروی خود اقدام به ارائه اطلاعات می کنند. اما با وجود معیارهای سنجش عملکرد مدیریت در این بازارها، به دلیل غیرقابل مشاهده بودن فعالیت های مدیران، این بازارها کاملاً کارا نیستند.

● تصاحب شرکت توسط بازار: اگر مدیران نتوانند ارزش شرکت را افزایش دهند سهام داران جدید حتماً مدیران شرکت را برکنار و مدیران مورد نظر خود را جانشین خواهند کرد. وجود این مساله می تواند محرکی برای تشویق مدیر به تولید اطلاعات باشد، اما به دلایل نقایص پیشگفته، بازار کار مدیران کارایی لازم را ندارد.

بنابراین، تنها با استفاده از محرک های قراردادی و نیروهای بازار نمی توان به میزان مناسب تولید اطلاعات دست یافت. در نتیجه، برای پاسخ به تقاضای سرمایه گذار و حمایت از منافع وی باید استانداردهای حسابداری را تدوین کرد تا شرکت ها به طور کامل در مقدار و زمان بندی اطلاعات تولید شده آزاد نباشند.

به طور کلی تدوین استاندارد، عبارت از مقرراتی است که چارچوب تصمیم گیری درباره تولید اطلاعات را مشخص می کند و به وسیله دولت یا هیات های بخش خصوصی وضع می شود. حال این سوال مطرح است، چه مقدار تولید اطلاعات کافی است؟

پاسخ به این سوال مستلزم بررسی منافع و مخارج حاصل از ارائه اطلاعات است. در تدوین هر استاندارد، لازم است در ابتدای امر از آزمون منفعت - هزینه سربلند بیرون آید، تنها در این صورت می تواند در آزمون مراحل بعدی موفقیت کسب کند. اگر در مورد مساله ای نتوان در مورد منافع و مخارج آن به نتیجه رسید، باید راه های دیگری را به کار برد که از هزینه کمتر و اثربخشی قابل قبولی برخوردار است. (Scott, 2003)

پیامدهای اقتصادی تدوین استانداردها

تدوین استانداردها دارای هزینه است. این هزینه

از روش هزینه‌یابی کامل و یک نمونه‌کنترلی از ۳۴ شرکت که از روش تلاش‌های موفقیت‌آمیز استفاده می‌کردند برای انجام این تحقیق برگزید و بازده‌های یک دوره هفت روزه پیرامون ۱۸ جولای را بررسی کرد.

طبق نتایج حاصل، سهام شرکت‌های نمونه (۴۹ شرکت) در روز پیش‌نویس استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۹ دارای بازده منفی با میانگین معنی‌دار و نمونه‌کنترلی (۴۳ شرکت) دارای بازده منفی کمی بودند. لذا با توجه به اینکه این روش حسابداری تأثیری بر جریان‌های نقدی شرکت‌های نفت‌گاز وارد نمی‌کند، استدلال منطقی برای واکنش بازار اوراق بهادار، وجود پیامدهای اقتصادی ناشی از به‌کارگیری روش‌های حسابداری می‌باشد. (Lev, 1979)

جنبه‌های سیاسی تدوین استانداردها

پیامدهای اقتصادی ناشی از تدوین استاندارد، منجر به وقوع مسائل سیاسی در فرایند تدوین استانداردها می‌شود. مقدمه این بحث، اطلاع از تئوری‌های منافع عمومی و منافع گروهی است.

تئوری منافع عمومی: در این تئوری، قانون باید تقاضا و منافع عمومی را پوشش دهد، لذا قانون‌گذار به بهترین نحو تمام منافع اجتماعی را در تدوین قانون لحاظ می‌کند. موضوع قابل ملاحظه در این تئوری این است که قوانین چگونه در عمل باید این کار را انجام دهند؟ با پذیرش این مفهوم از قانون، تصمیم‌گیری درباره محدودده قوانین بسیار مشکل است و قانون‌گذار نمی‌تواند در راستای منافع عمومی حرکت کند، زیرا ماهیت این عمل بسیار پیچیده و در نتیجه زمان‌بر و هزینه‌بر خواهد بود. و از طرفی، چون مقام ناظر نمی‌تواند نسبت به صحت این فرایند پیچیده و غیرقابل مشاهده اطمینان کسب کند همواره این ابهام وجود دارد که مقام قانون‌گذار در راستای منافع شخصی خود گام برداشته است.

تئوری منافع گروهی: در این تئوری، قانون در راستای تحقق منافع گروهی خاص عمل می‌کند. گروه‌های متعدد برای حمایت از منافع خود، نمایندگان خود در هیات‌های قانون‌گذار را ملزم به تدوین قوانین می‌کنند. برای نمونه، صنعت ممکن است نیاز به قوانین برای حمایت در برابر قیمت‌های رقابتی یا در مقابل عملکرد شرکت‌های داخلی و

می‌تواند مثل تشکیل سازمان‌ها و هیات‌های تدوین و اجرا استاندارد و هزینه‌های رعایت آنها توسط شرکت به صورت هزینه‌های مستقیم باشد. اما هزینه‌های غیرمستقیم این فرایند با اهمیت‌تر و بزرگ‌تر است. استانداردها، آزادی عمل مدیران را در انتخاب رویه‌های مختلف کاهش می‌دهد و مدیریت سود که امکان آشکارسازی اطلاعات داخلی شرکت را برای مدیر فراهم می‌سازد، محدود می‌کند. استانداردها سطح مشخصی از افشای اطلاعات را الزام‌آور می‌کند که می‌تواند منجر به کاهش مزایای رقابتی شرکت و کاهش قدرت سودآوری آتی گردد. بسیاری از خط‌مشی‌های حسابداری با اینکه تأثیری بر جریان‌های نقدی شرکت ندارند اما با توجه به اثری که بر اجزای صورت سود و زیان می‌گذارند، واکنش بازار اوراق بهادار را در پی خواهند داشت و بر هزینه سرمایه آنها اثر می‌گذارند. از این رو در هنگام تدوین استانداردها، گروه‌های ذی‌نفع، نتایج اقتصادی حاصل از آن را به طور دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. (Scott, 2003).

بنابراین، تدوین‌کنندگان استاندارد باید توجه کنند که پیامد اقتصادی ناشی از استانداردها بر پذیرش آن توسط مجریان و ذی‌نفعان آن تأثیر بسزایی دارد. در این رابطه می‌توان به تحقیق لو (۱۹۷۹) با عنوان "اثر مقررات حسابداری بر بازار سرمایه: شرکت‌های نفت و گاز" اشاره کرد. این تحقیق مربوط به استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۹ بود. طبق این استاندارد، شرکت‌های نفت و گاز باید تمام هزینه استخراج ذخایر خود را براساس روش تلاش‌های موفقیت‌آمیز به حساب هزینه یا دارایی منظور کنند. در این روش، تمام هزینه‌های مربوط به پروژه‌های به نتیجه نرسیده، باید به حساب هزینه منظور شود. این روش، در مقابل روش هزینه‌یابی کامل که این مخارج را در بهای ذخایر کشف شده وارد می‌کند، منجر به کاهش سود می‌شود. در نتیجه، شرکت‌های بزرگ را در افزایش سرمایه دچار مشکل می‌کند. لو بررسی کرد که آیا قیمت‌های اوراق بهادار شرکت‌های نفت و گاز تحت تأثیر این استاندارد قرار می‌گیرند؟ این، تحقیق، یک تحقیق رویدادی بود و در آن واکنش بازار نسبت به یک رویداد مورد بررسی قرار گرفت. تاریخ شروع تحقیق از ۱۸ جولای ۱۹۷۷ یعنی تاریخ انتشار استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۹ بود. لو نمونه‌ای از ۴۹ شرکت که

سیستم پیشرفته دفتر داری

دو زبانه (انگلیسی و فارسی)
چند ارزی

چند شرکت
چند شعبه

عملیات بانکی

ساخت گزارشات دلخواه

گزارشات مقایسه‌ای
دوره مشابه سنوات قبل

طراحی مبتنی بر تحلیل صحیح نیازها



نرم افزاری سی.اس.دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (۱۰ خط) ۸۸۸۲۴۸۱۲

دفتر مدیریت: تلفکس ۸۸۸۳۶۹۹۸

۸۸۸۴۶۵۹۳

Email: CSD_Company@yahoo.com

تخلفات آنها داشته باشد، یا مشتریان و مصرف‌کنندگان نیاز به حمایت برای افزایش کیفیت و محصول استاندارد دارند. هر کدام از این گروه‌ها، نمایندگانی در هیات‌ها دارند که برای کسب منافع متعلق به گروه از قدرت سیاسی خود برای تدوین قانون استفاده می‌کند. به طور یقین، منفعت این مسئول سیاسی متکی به حفظ قدرت او است. در نتیجه، تدوین قانون را به شکلی انجام خواهد داد که در حفظ قدرت آنها موثرتر و مفیدتر واقع شود.

در واقع در تئوری منافع گروهی، قانون‌گذاری را به عنوان کالایی فرض می‌کند که برای آن عرضه و تقاضا وجود دارد. این کالا به آن ذی‌نفعانی اختصاص خواهد یافت که دارای نفوذ سیاسی بیشتری در هیات‌های تدوین‌کننده قانون هستند، و قوانینی در راستای مطلوبیت آنها ارائه خواهد کرد. (Scott, 2003).

هیات استانداردهای حسابداری مالی

هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی در ایالات متحده در سال ۱۹۷۳ ایجاد شد. و هدف آن تدوین و اصلاح استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی با تاکید بر مفید بودن برای تصمیم‌گیری، یک‌نواختی و قابلیت مقایسه اطلاعات بود.

هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی، یک بازاری عملیاتی از نهاد سه‌گانه تدوین استاندارد به شمار می‌آید که دو بخش دیگر شامل بنیاد حسابداری مالی و شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی می‌باشد.

بنیاد حسابداری مالی شامل شانزده امین می‌باشد که سیزده نفر آنها از جانب سازمان‌های حمایت‌کننده و شامل چهار نفر از انجمن حسابداران رسمی آمریکا، یک نفر از تحلیل‌گران مالی و دو نفر از مدیران، یک نفر از اساتید دانشگاه پنج نفر از گروه‌های ذی‌نفع دیگر و دو نفر نماینده از طرف جامعه صنعت بانکداری و جامعه تجاری و شانزدهمین عضو نیز رئیس هیات است که توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا تعیین می‌شود.

وظایف اصلی بنیاد حسابداری مالی عبارتند از:

(۱) تعیین اعضای هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی،

(۲) بررسی عملکرد هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی،

هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی به تحلیل انتقادات و پیشنهادات دریافت شده می‌پردازد و در صورت منطقی و امکان‌پذیر بودن، آنها را نیز لحاظ می‌کند.

(۶) پروژه به اتمام می‌رسد.

(۷) رهنمود حسابداری منتشر می‌شود.

(۸) استاندارد نهایی منتشر می‌شود.

نکته اصلی این است که مراحل مختلف پیشنهاد برای تدوین یک استاندارد کاملاً سیاسی است. به عبارت دیگر، تعدادی از نهادهای با نفوذ جامعه برای شرکت در مجامع تدوین استاندارد دعوت می‌شوند و همچنین در فرایند تدوین، افراد با توجه به منافع خود در برابر بیانیه‌های هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی به موافقت یا مخالفت می‌پردازند. (Scott, 2003)

هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی

نمونه دیگر هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی است. شرکت‌های خارجی با پذیرش استانداردهای این هیات، باید صورت‌های مالی خود را براین مبنا به بازار ارائه دهند و این باعث افزایش اعتبار بازار و کاهش هزینه سرمایه و انجام بهتر مبادله اوراق بهادار خواهد شد.

گاهی اوقات تدوین یک استاندارد، الزاماً برای ارائه اطلاعات مربوط و مفید نیست بلکه به طور نمونه، انتشار استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۳۰ یا عنوان سود جامع در سال ۱۹۷۹ جنبه سیاسی دارد، سود جامع همه تغییرات در حقوق صاحبان سهام اعم از سود خالص، سود و زیان تحقق نیافته ناشی از تلفیق شرکت، سود و زیان تحقق نیافته ناشی از اوراق آماده برای فروش و اقلام غیرعادی و غیرمترقبه را شامل می‌شود. این استاندارد منجر به توجه خاص به سود خالص شرکت می‌شود و این‌گونه به نظر می‌رسد که در جهت منافع سرمایه‌گذاران گام برداشته شده است. اما آیا در واقع این گونه است؟ این موضوع به وسیله سه محقق در سال ۱۹۹۹ بررسی شد. آنان رابطه بین درآمد سهام و سود جامع را بررسی و نتایج را با رابطه بین سود خالص و درآمد سهام مقایسه کردند و شواهدی مبنی بر اینکه سود جامع نسبت به سود خالص از مربوط بودن و همبستگی بیشتری برخوردار است، دست یافتند.

(Ohailwal, subramanyam and Trezevant, 1999)

(۳) تعیین اعضای شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی.

شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی حداقل ۲۰ عضو و معمولاً بین ۳۵ تا ۴۰ عضو دارد. هر چند هیچ طبقه‌بندی درباره اعضای صورت نگرفته و همه توسط بنیاد حسابداری مالی تعیین می‌شوند، اما آنها باید از افراد ذی‌نفع باشند. شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی، رابطی بین هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی، تجارت و محیط اقتصادی است و تقدم و تاخر پروژه‌های مورد نظر برای هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی را تعیین می‌کند.

فرایند تدوین استانداردها توسط هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی

فرایند تدوین استانداردها شامل مراحل زیر است:

(۱) ارزیابی اولیه مشکلات حسابداری و گزارشگری مالی: کمیته تحقیق هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی، گروه‌های حرفه‌ای یا کمیسیون بورس اوراق بهادار موضوعاتی را که به عنوان چالش در حسابداری می‌شناسند به شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی معرفی می‌کنند تا نسبت به اهمیت و فوریت آن به هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی توصیه کند.

(۲) ورود به دستور کار هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی: برای ورود به دستور کار هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی، موضوع باید توسط شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی ارزیابی شود و هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی تعیین کند که دارای معیارهای ورود می‌باشد. یعنی اولاً موضوع به اندازه کافی مهم است و ثانیاً راهکارهای قابل ارائه، بتواند رضایت جوامع تجاری و اقتصادی را تامین کند.

(۳) مشورت: این مرحله شامل بررسی مساله توسط اعضای هیات و تبادل نظر پیرامون آن و در صورت لزوم تشکیل کمیته تخصصی و شنیدن آرای عمومی است.

(۴) راه حل اولیه: پس از بررسی دیدگاه‌های اعضای هیات و کسب اجماع نظر آنها، هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی پیش‌نویس اولیه استاندارد را منتشر می‌کند.

(۵) بررسی واکنش‌ها: پس از انتشار پیش‌نویس استاندارد،

سیستم

حقوق و پرسنلی

• دو زبانه (انگلیسی و فارسی)

• چند ارزی

• کاملاً پارامتریک و سازگار با هر شرایط کاری

• ساخت گزارشات دلخواه

• امکان Gross Up

• امکان تعاریف فرمهای دلخواه



CSD

فرم افزاری سی . اس . دی
موسسه کنترل و طرح سیستمها

دفتر فروش: (خط ۱۰) ۴۸ ۱۲ ۸۸۸۲

دفتر مدیریت: تلفکس ۶۹ ۹۸ ۸۸۸۳

۶۵ ۹۳ ۸۸۸۴

Email: CSD_Company@yahoo.com

بنابراین با فرض تاثیر کم استاندارد بر بهبود فرایند تصمیم‌گیری، هدف از انتشار استاندارد حسابداری مالی شماره ۱۳۰ چیست؟ به نظر می‌رسد که این استاندارد سازشی سیاسی بین منافع مدیران و سرمایه‌گذاران است. منافع سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری بر مبنای حسابداری ارزش‌های جاری می‌باشد و با این استاندارد مدیران به پذیرش حسابداری ارزش‌های جاری ترغیب شده و در نتیجه سود و زیان تحقق نیافته را از سود خالص تفکیک می‌کنند.

نتیجه‌گیری

تدوین استانداردها باید در جهت افزایش کیفیت تصمیم‌گیری و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی صورت بگیرد، اما نمی‌توان فقط به منافع یک طرف یعنی سرمایه‌گذاران توجه کرد بلکه باید مدیران و تدوین‌کنندگان استانداردها نیز در این مساله لحاظ شوند و در واقع فرایند تدوین استانداردهای حسابداری بیشتر با تئوری منافع گروهی نسبت به منافع عمومی همخوانی دارد.

علاوه بر این، فقط هم بحث وجود منافع نیست، تدوین استانداردها دارای مخارج مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد اگر این مخارج بیش از منافع حاصل از آن باشد، مفید بودن و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تحت الشعاع واقع شده و چنین استانداردی تدوین نمی‌شود. در واقع با مدنظر گرفتن تئوری منافع گروهی در تدوین استانداردها، مساله منفعت و هزینه استاندارد، دامنه اطلاعات قابل ارائه را تعیین می‌کند که همچنان از مباحث بحث برانگیز در حسابداری محسوب می‌شود. (Scott, 2003)

منابع

- 1- Lev, B., "The Impact of Accounting Regulation on the Stock Market: The Case of Oil and Gas Companies," *The Accounting Review* (July 1979), pp. 485.503.
- 2- Ohailiwal, DK. Subramanyam, and R. Trezevant. 1999. "Is Comprehensive Income Superior To net Income as a Measure of Firm performance?" *Journal of Accounting and Economic* 26 (January). 43-67.
- 3- Scott R.William. R. "Financial Accounting Theory". 2003.